

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۴

## چند سند تاریخی درباره کشمکش‌های حبیب‌الله خان قوام الملک و اسماعیل خان صولت الدوله

دکتر سید ابوالقاسم فروزانی\*

### چکیده

این مقاله اسنادی را ارائه می‌دهد که شامل داده‌های باارزشی درباره‌ی کشمکش‌های میان حبیب‌الله خان قوام الملک شیرازی و صولت الدوله قشقایی می‌باشد. از آنجا که دریافت داده‌های اسناد یاد شده بستگی کامل به شناخت اوضاع اجتماعی و سیاسی دوره‌ی مذکور دارد، ابتدا پیشینه و میزان قدرت و نفوذ خاندان قوام الملک شیرازی، در فارس توصیف می‌شود، سپس ادوار اوج و سقوط حبیب‌الله خان قوام الملک در طول زندگی سیاسی‌اش مورد اشاره قرار می‌گیرد. موضوع اصلی این مقاله، بررسی انگیزه‌ها و علل درگیری‌های مداوم میان حبیب‌الله خان قوام الملک و صولت الدوله قشقایی است.

**واژه‌های کلیدی:** حبیب‌الله خان قوام الملک، صولت الدوله قشقایی، نظام

السلطنه، فارس، انگلیس

## مقدمه

خاندان قوام الملک شیرازی از بازماندگان حاج ابراهیم خان کلانتر و یکی از دودمان‌های مشهور در ایران معاصر می‌باشد. سران این خاندان از حاج ابراهیم خان کلانتر تا ابراهیم خان قوام الملک پنجم، در حدود یکصد و پنجاه سال در تحولات سیاسی ایران و به‌ویژه در وقایع جنوب این کشور نقشی چشمگیر داشته‌اند.

مقارن با نهضت مشروطیت و همزمان با مبارزات اهالی جنوب ایران با اشغالگران متجاوز انگلیسی، حبیب‌الله خان قوام الملک چهارم در ایالت فارس (که در آن زمان تا خلیج فارس گسترده بود) نقش و نفوذی فراوان داشت. بی‌تردید قدرت دیرینه‌ی خاندان قوام الملک شیرازی در فارس، موجب توجه انگلیسی‌ها به سران این خاندان، برای پیشبرد اهداف مورد نظر خویش بوده است. در مقابل، خاندان قوام الملک نیز از پشتیبانی‌های دولت انگلیس، در گسترش قدرت و نفوذ خویش استفاده می‌کرد.

اما بر سر اهداف و مطامع استعمارگران انگلیسی و نیز در برابر اجحافات و زیاده‌خواهی‌های زعمای خاندان قوام الملک در فارس بزرگ موانع عمده‌ای وجود داشت. این مشکلات مشترک، زمینه‌ی اتحاد هر چه بیشتر خاندان قوام الملک شیرازی و دولت استعمارگر انگلیس را فراهم می‌آورد و همکاری روزافزون آنان را سبب می‌شد. اما از سوی دیگر میهن‌پرستان خطه‌ی جنوب نیز که به ماهیت و اهداف متجاوزان و ایادی آنان پی برده بودند، در مبارزات استقلال خواهانه و ظلم‌ستیزانه خویش پایدارتر و مصمم‌تر می‌گشتند.

در این مقاله، هفت سند تاریخی که اصل آن‌ها در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (مشأ سند، وزارت کشور، سری الف، شماره تنظیم ۲۹۰۰۰۳۲۱۶ - محل در آرشیو ۳۶۴۲۴ ب الف ۱) موجود می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفته است. اسناد یاد شده شامل تلگراف‌های حبیب‌الله خان قوام الملک شیرازی (کفیل حکومت فارس) به وزارت داخله (وزارت کشور) در سال ۱۳۳۰ ه. ق. می‌باشد. در این تلگراف‌ها، حبیب‌الله خان قوام الملک، ضمن هشدار به دولت مرکزی در مورد خطرات ناشی از

قدمات اسماعیل خان صولت الدوله از بهر ایل فشایی). راه‌های روبرویی با وی را برتسرده، برای جلب کمک‌های نظامی و مالی دولت، تلاش نموده است.

### شبه‌ای درباره‌ی خاندان قوام الملک شیرازی

حاج ابراهیم (سومین پسر حاج هاشم) یکی از اعضاء خاندان ثروتمند و با سابقه‌ی مقیم در محله‌ی بالاگمت شیراز بود. این خاندان با عنوان هاشمیه استنهار داشت. (حسینی فسایی، ۲/۴۷) حاج ابراهیم در آغاز، کدخدای پنج محله‌ی موسوم به حیدری خانه در شیراز بود. وی در سال ۱۲۰۰ هـ. ق. از سوی جعفر خان زند (فرزند صادق خان) به‌عنوان کلانتر شیراز برگزیده شد. (کلانتر فارس، ۱۳۶۲، ۹) حاج ابراهیم خان کلانتر که پس از جعفر خان از حکومت فرزندش لطفعلی خان زند بشتیانی کرده بود، چندی بعد به دلانلی از او روی گردانید<sup>۲</sup> و دروازه‌های شیراز، پایتخت سلسله‌ی زندیه را به روی سپاهیان آقا محمد خان قاجار گشود. (حسینی فسایی، ۱/۲۳۴) وی به پاس این خدمت ارزشمند، از سوی آقا محمد خان با لقب اعتمادالدوله به وزارت گماشته شد. اعتمادالدوله بعد از مرگ آقا محمد خان قاجار، در دوران سلطنت فتحعلی شاه نیز به مدت چهار سال در مقام وزارت باقی بود. (همان، ۱/۲۴۹)

اما قدرت روز افزون حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله و خاندان او که بر بیشتر ولایات ایران حکومت داشتند، (همان) برای فتحعلی شاه غیرقابل تحمل شده بود. در همین احوال مخالفان اعتمادالدوله به سخن چینی بر ضد او پرداختند و سرانجام به دستور فتحعلی شاه، اعتمادالدوله به وضعی فجیع به قتل

۱ این خاندان به دلیل اشتباه حاج هاشم (پدر حاج ابراهیم) با عنوان هاشمیه ساخته می‌شدند. رکن: حسینی فسایی. میرزا حسن. تاریخ فارسنامه ناصری. ج ۲. ص ۴۷ / خاندان قوام الملک خود را به حاج قوام ندین حسن شیرازی (وریر شاه شیخ ابوالسحاق ایبحر) منسوب می‌دانست. البته در این زمینه تردیدهایی ابرار شده است رکن: فروری، سید ابوالقاسم. «حسب الله خان قوام الملک و نهضت جنوب»، ص ۱۶۳.

۲ در مورد دلانلی برود کدورت در روابط حاج ابراهیم خان کلانتر و لطفعلی خان زند، رکن: دانش، سیاوش. ابراهیم کلانتر. ص ۷۴-

رسید و اکثر اعضای خاندان او کشته شدند و بعضی از بینایی محروم گردیدند. (حقایق نگار، ۱۲۸۴ ق، ۷ صفحه مانده به پایان کتاب)

در این میان، علی اکبر یکی از پسران اعتماد الدوله به دلیل بیماری از فرمان قتل عام جان به در برد. (دانش، بی تا، ۲۲۵) وی چند سال بعد به دستور فتحعلی شاه (که نسبت به بازماندگان وزیر مقتول بر سر لطف آمده بود) به مناصب مختلفی در فارس دست یافت. میرزا علی اکبر خان در سال ۱۲۴۵ هـ. ق. به هنگام سفر فتحعلی شاه به شیراز، از جانب پادشاه قاجار به قوام الملک ملقب شد. (حقایق نگار، ۷ صفحه مانده به پایان کتاب) از آن به بعد خاندان هاشمیه به قوام الملک مشهور گردید.

بعد از مرگ علی اکبر خان قوام الملک در سال ۱۲۸۲ هـ. ق. فرزند او میرزا علی محمد خان وارث عنوان قوام الملک گردید. علی محمد خان قوام الملک دوم نیز در فارس به مقامات مهمی دست یافت. (حسینی فسایی، ۱/۳۲۳) وی در سال ۱۳۰۱ هـ. ق. از دنیا رفت و پسرش میرزا محمد رضا خان به قوام الملک ملقب شد. (همان، ۵۱/۲) محمد رضا خان قوام الملک سوم که از مخالفان نهضت مشروطیت بود در سال ۱۳۲۶ هـ. ق. در شیراز به قتل رسید (کسروی، ۱۳۶۳، ۲/۵۴۵) و پسر بزرگ او حبیب‌الله خان (متولد ۱۲۸۶ هـ. ق.) حسینی فسایی، ۲/۵۱) وارث مقام و منزلت پدر گردید.

### حبیب‌الله خان بر پلکان پیشرفت

بعد از مرگ محمد رضا خان قوام الملک، به دستور محمد علی شاه قاجار، املاک و متعلقات قوام الملک سوم در نواحی شرقی و جنوب شرقی فارس (شامل لار، داراب، فسا و...) در اختیار پسر بزرگ او حبیب‌الله خان قرار گرفت. همچنین لقب قوام الملک و ریاست ایلات خمسه<sup>۱</sup> به حبیب‌الله خان واگذار گردید. (فراشندی، بی تا، ۱۳۶)

حبيب‌الله خان قوام الملک<sup>۱</sup> چهارم با تکیه بر عواملی مانند ایل عرب که «پیغام داده بودند در هر موقعی که قوام الملک حکم بدهد آن‌ها حاضرند به شیراز حمله‌ور شوند» (بشیری، ۱۳۶۳، ۳/۷۱۳) به گسترش و تحکیم قدرت و نفوذ خویش در فارس پرداخت. حبيب‌الله خان قوام الملک در اوایل سال ۱۳۲۷ هـ. ق. از سوی دولت به حکومت کرمان گماشته شد. (همان، ۳/۷۴۲) احتمالاً هدف از این کار، دور نمودن قوام الملک چهارم از فارس و پیشگیری از گسترش نفوذ او و نیز کاهش اغتشاشات و درگیری‌ها در آن ایالت مهم بوده است. اما حبيب‌الله خان قوام الملک تنها حدود یک سال و نیم در آن مقام باقی بود، زیرا وی در نیمه سال ۱۳۲۸ هـ. ق. برای حفظ املاک خویش در فارس بعد از استعفاء از حکومت ایالت کرمان، به سوی شیراز، رهسپار گردید. (بشیری، ۴/۸۷۲) کمی بعد از ورود قوام الملک چهارم به شیراز، شاهزاده ظفرالسلطنه فرمانروای فارس از مقام خویش برکنار شد و به جانب تهران حرکت کرد. (فرصت الدوله شیرازی، ۱۳۶۲، ۷۹-۸۱) در این هنگام حبيب‌الله خان قوام الملک از سوی دولت به عنوان نایب الحکومه فارس برگزیده شد. (بشیری، ۴/۹۳۲) وی آن مقام را تا زمان ورود حاکم جدید فارس، نظام السلطنه<sup>۲</sup> به شیراز (در ماه ربیع الثانی سال ۱۲۲۹) برعهده داشت. چند روز بعد از ورود نظام السلطنه به شیراز، به دستور او حبيب‌الله خان قوام الملک و برادرش نصرالدوله<sup>۳</sup> بازداشت شدند. نظر به تعدیات آن دو جمع زیادی از مردم شیراز از نظام السلطنه خواستار قتل قوام الملک و نصرالدوله گردیدند و نظام السلطنه قول داد آنان را پس از محاکمه، مجازات نماید. (بشیری، ۵/۱۰۴۴-۱۰۴۱)

۱. حبيب‌الله خان قبل از کسب لقب قوام الملک، به سالار السلطان ملقب بود و پیش از آن میر لقب اعتماد السلطان داشت. رک: سدید السلطنه مینایی. محمد علی، سفرنامه، ص ۴۷.

۲. نظام السلطنه رضاقلی خان مافی (متوفی ۱۳۴۳ هـ. ق) که در ولایات مختلفی چون لرستان، حوزستان، کرمان و کرمانشاه حکومت کرده بود در سال ۱۳۲۹ هـ. ق. به حکومت فارس رسید. رک: حکمت، رضا، خاطرات سردار فاجر حکمت، ص ۱۹۸

۳. محمد خان نصرالدوله که قبلاً انتظام الملک لقب داشت، دومین پسر محمد رضا خان قوام الملک بود. رک: سدید السلطنه مینایی، محمدعلی، سفرنامه، ص ۴۷. نصرالدوله در سال هراز و دویت و اند در شیراز متولد شده بوده رک: حسینی فسایی، میرزا حسین،

در این اوضاع، دولت انگلیس برای رهایی حبیب الله خان قوام الملک و نصرالدوله دست به کار شد. فشارهای روزافزون دولت انگلیس بر ایران سرانجام موجب صدور فرمانی از سوی حکومت ایران به نظام السلطنه گردید که بر مبنای آن مقرر شده بود نظام السلطنه، حبیب الله خان و برادرش را جهت محاکمه به تهران بفرستد. (همان، ۵/۱۰۴۴) اما این دستور با اعتراض نظام السلطنه روبهرو گردید و او مسترناکس، قنصل انگلیس در شیراز را تهدید کرد که در صورت وقوع چنین امری، وی بلافاصله شیراز را ترک خواهد کرد. (همان، ۵/۱۰۴۵)

اما سرانجام دولت ایران از یک سو به دلیل ترس از شورش مردمی که از قوام الملک و نصرالدوله به سختی آزرده بودند و از سوی دیگر تحت فشار دولت انگلیس تصمیم گرفت آن دو برادر را به اقامت اجباری در اروپا وادار سازد. در این زمینه سر جورج بارکلی وزیر مختار دولت انگلیس در ایران تلگرافی به شرح ذیل برای سر ادوارد گری وزیر امور خارجه آن کشور مخابره کرده است:

«افتخار دارم راپورت بدهم که سردار اسعد به من اطلاع داده که به فرستادن قوام الملک و نصرالدوله به اروپا راضی اند و برحسب خواهش وزیر امور خارجه به مسترناکس دستورالعمل داده ام که هرطور است نظام السلطنه را هم وادارد که به این قرارداد موافقت نماید.» (همان، ۵/۱۰۴۸)

این موضوع نیز مورد مخالفت نظام السلطنه قرار گرفت.<sup>۱</sup> اما سرانجام وی مجبور شد فرمان دولت را به مرحله ی اجراء درآورد. (همان، ۵/۱۰۵۲)

بدین ترتیب بود که قوام الملک و برادرش به دستور نظام السلطنه راهی بوشهر شدند تا از آنجا به اروپا اعزام گردند. با آن که در حدود یکصد و پنجاه نفر از افراد مسلح به عنوان حفاظت از قوام الملک

۱. دلیل مخالفت نظام السلطنه این بود که او از بازگشت قوام الملک و برادرش از راه شمال به کشور نگران بود. رک: بشیری، احمد،

کتاب آبی، ج ۵، ص ۱۰۴۹.

و نصرالدوله آن دو را همراهی می‌کردند، به فاصله‌ی کوتاهی از شیراز،<sup>۱</sup> افرادی از ایل قشقایی، نصرالدوله را به ضرب گلوله از پای درآوردند. (همان، ۵/۱۰۷۸)

### روابط خاندان قوام الملک و ایل قشقایی

نظر به این که ایل قشقایی با یکصد و پنجاه هزار نفر جمعیت خویش، (اخگر، ۱۳۶۶، ۹۸) قدرتی متحد و منسجم و کارآمد بود و در صحتی حوادث سیاسی جنوب ایران نقشی اساسی داشت، خاندان قوام الملک به دنبال ایجاد ارتباط حسنه با سران آن ایل مقتدر بودند. از آنجا که پیوندهای زناشویی می‌توانست در تحکیم روابط خاندان قوام الملک شیرازی و سران ایل قشقایی نقشی مؤثر داشته باشد، در سال ۱۳۰۲ هـ. ق. حبیب‌الله خان (که بعدها قوام الملک چهارم گردید) با دختر نصرالله خان ایل بیگی ازدواج کرد. (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲، ۲۴۸)

از سوی دیگر با توجه به این که ایل توانمند قشقایی مانعی جدی در برابر پیشرفت اهداف استعمارگرانه انگلیس در جنوب ایران بود، سیاست کارگزاران انگلیس در ایران بر محور ایجاد تفرقه در میان سران ایل قشقایی می‌چرخید. (بشیری، ۱۳۶۹، ۱۷۷۸ و ۸/۱۸۰۸) در زمان مورد بحث این گفتار، اسماعیل خان صولت الدوله فرزند داراب خان (متولد ۱۲۵۲ متوفی ۱۳۱۱ هـ. ش.) ملقب به سردار عشایر، رهبری ایل قشقایی را به دست داشت. وی که از سال ۱۳۲۴ هـ. ق. به صورت رسمی آن مقام را برعهده گرفته بود، (فراشندی، ۱۳۵۹، ۶۹) از اقتداری فراوان در میان ایل خویش برخوردار بود. صولت الدوله با بیگانگان میانه‌ای نداشت (اخگر، ۹۸) و به ویژه با انگلیسی‌ها به هیچ‌روی سازگار نبود و نیروهای زبده‌ی او با هجوم و دستبرد به کاروان‌هایی که کالاهای انگلیسی را حمل می‌کردند، برای متجاوزین به خطه‌ی جنوب در دسر آفرین بودند. (بشیری، ۱۳۶۹، ۱۶۸۱/۷)

۱. محل مذکور در نزدیکی خانه زینان در فاصله ۴۷ کیلومتری غرب شیراز به قتل رسید. رک: فراشندی، علیراد، تاریخچه حزب دموکرات فارس، ص ۱۳۶-۱۳۷.

صولت الدوله که خود از پیسروان نهضت مشروطیت به‌شمار می‌رفت، در پشتیبانی از آن تلاش فراوان داشت. (فراشبندی، ۱۳۵۹، ۷۰) این درحالی بود که حبیب‌الله خان قوام‌الملک با جدیت از منافع بریتانیا در ایران حمایت می‌نمود. (Bonine and Keddie, 1981: 251) بدین ترتیب بود که حبیب‌الله خان قوام‌الملک و صولت الدوله قشقایی در مقابل یکدیگر قرار گرفته بودند و قتل نصرالدوله توسط عوامل ایلخان قشقایی نیز در راستای این کشمکش‌ها صورت گرفت.

### رویارویی حبیب‌الله خان قوام‌الملک با مخالفان

بعد از قتل نصرالدوله برادرش حبیب‌الله خان قوام‌الملک که کمی جلوتر از او حرکت می‌کرد، به سرعت به شیراز بازگشت و «از کنسولگری اعلیحضرتی درخواست اجازه تحصن نموده چون برای او خطر متصور بود استدعای او قبول گردید.» (بشیری، ۱۳۶۹، ۸/۱۰۷۸) بعد از پناهندگی قوام‌الملک به کنسولگری بریتانیا در شیراز، کفیل کنسولگری به حاکم فارس اطلاع داد که تا زمانی که امنیت قوام‌الملک «که موجب رضایت دولت اعلیحضرتی انگلیس باشد» (همان، ۵/۱۱۱۴) فراهم نگردد، وی در کنسولگری انگلیس اقامت خواهد داشت. (همان)

پناهندگی قوام‌الملک به کنسولگری بریتانیا در شیراز خشم مردم این شهر را بیش از پیش موجب گردید و افرادی با سخنرانی‌های آتشین خویش ضمن نكوهش اهداف انگلیس در جنوب ایران، مردم را به هجوم به داخل کنسولگری و قتل حبیب‌الله خان قوام‌الملک فرا می‌خواندند. (همان، ۵/۱۱۱۸) در این میان جمعی از افراد مسلح<sup>۱</sup> برای از میان بردن قوام‌الملک پیرامون کنسولگری بریتانیا را فرا گرفته بودند و برای قتل قوام‌الملک پاداشی ارزشمند در نظر گرفته شده بود. این وضع موجب گردید که ورود به کنسولگری بریتانیا بدون اجازه مستقیم ممنوع شود. (همان)

۱. افراد یاد شده از یکی از مردان دلیر شیراز به نام علی اکبر ده بزرگی فرمان می‌بردند. وی با خادان قوام‌الملک دشمنی داشت.

در این هنگام که قوام الملک در کنسولگری انگلستان پناه گزیده بود، در شیراز ایل قشقایی به رهبری صولت الدوله (که از نظام السلطنه پشتیبانی می نمود) و ایل عرب با سرداران خویش (که از قوام الملک حمایت می کرد) به جنگی خونبار با یکدیگر ادامه می دادند. (فرصت الدوله شیرازی، ۱۳۶۲، ۸۱-۸۲)

از سوی دیگر دولت انگلیس که منافع خود را به دلیل اقامت طولانی قوام الملک در کنسولگری شیراز در خطر می دید، (بتیری، ۱۳۶۹، ۵/۱۲۱۴) درصدد برآمد از فرمانفرمای فارس و صولت الدوله برای حفظ جان قوام الملک تضمین بگیرد و او را از کنسولگری خارج نماید. (همان، ۵/۱۲۱۵)

در این میان قوام الملک با قید شروطی آمادگی خود را برای پایان تحصن در کنسولگری بریتانیا در شیراز و خروج از کشور اعلام کرد.<sup>۱</sup> در واکنش به این شروط، صمصام السلطنه در تلگرافی خطاب به قوام الملک راجع به تضمین امنیت او از طرف نایب السلطنه و کنسولگری انگلیس سخن گفت. صمصام السلطنه همچنین از حفظ املاک قوام الملک در فارس و واگذاری حکومت کرمان به او و انتصاب فرزندش به ریاست ایل خمه خبر داده بود. (بتیری، ۱۳۶۹، ۶/۱۴۶۷) بدین ترتیب قوام الملک با پشتیبانی دولت انگلیس، در برخورد با مخالفان پیروز گردید. جالب آن که قوام الملک فردی روزی که نظام السلطنه از حکومت فارس برکنار شد و همراه با صولت الدوله شیراز را به سوی جنوب ترک کرد، به اقامت پنج ماهی خود در کنسولگری انگلیس پایان داد. (همان، ۶/۱۴۶۹)

بعد از برکناری نظام السلطنه از حکومت فارس، علاء الدوله به جای او به آن مقام گماشته شد و قوام الملک به نیابت از او زمام اداره امور فارس را به دست گرفت. (همان، ۶/۱۳۳۹) اما علاء الدوله قبل از عزیمت به فارس به قتل رسید (همان، ۶/۱۳۷۷) و مخبر السلطنه<sup>۲</sup> به عنوان فرمانفرمای فارس

۱. شروط قوام الملک برای خروج از تحصن به طور کلی شامل تأمین جانی او و واستگانش و بیز حفظ اموال و املاکش بود رک: بتیری. احمد، کتاب آبی، ج ۶، ص ۱۴۶۶.

۲. مخبر السلطنه، حاج مهدیقلی همدانی (متولد ۱۲۸۰، متوفی ۱۳۷۵ هـ ق) از سیاستمداران فاضلی است که در طول حیات خویش مناصب گوناگونی را برعهده گرفت. وی دوبار بیر به محبت وزیر رسید. رک: فرصت الدوله شیرازی، میردا نصیر، آثار عجم. ص

برگزیده شد. در این احوال حبیب‌الله خان قوام الملک همچنان کفالت حکومت فارس را برعهده داشت. (فرصت الدوله شیرازی، ۱۳۶۲، ۸۳)

در سال ۱۳۳۰ ه. ق. یعنی در آن هنگام که حبیب‌الله خان قوام الملک، فارس را به نیابت از حاکمان منصوب از سوی دولت، اداره می‌کرد، نبرد میان طرفداران حبیب‌الله خان و صولت الدوله به‌طور متناوب ادامه داشت. در آن ایام قوام الملک که از قدرت چشمگیر اسماعیل خان صولت الدوله آگاه بود، برای تضعیف پایگاه رهبر ایل قشقایی به ضبط املاک او اقدام نمود و غارت اموال طرفدارانش را مدتظر قرار داده بود. (بشیری، ۱۳۶۹، ۲۰۱۵/۸) حبیب‌الله خان قوام الملک با استفاده از موقعیت خویش به‌عنوان کفیل حکومت فارس ادامه برنامه‌هایش برضد صولت الدوله تلاش داشت دولت مرکزی را نسبت به اهداف و اقدامات رهبر ایل قشقایی بدبین سازد. وی با این کار می‌خواست از پشتیبانی دولت نیز برای سرکوب صولت الدوله و هواداران او برخوردار گردد. توجه به مضمون تلگراف‌های قوام الملک به وزارت داخله، (که به پیوست ارائه گردیده است)، از تلاش‌های او برضد صولت الدوله پرده بر می‌دارد. خلاصه‌ی تلگراف‌های یاد شده، به شرح ذیل می‌باشد:

در سند شماره ۱، حبیب‌الله خان قوام الملک به ارتباط صولت الدوله با علمای بزرگ و با نفوذ فارس به ویژه آیت الله حاج میرزا ابراهیم شریف و آیت الله شیخ جعفر محلاتی اشاره کرده است. وی ضمن ایراد اتهام به صولت الدوله که با پرداخت پول به علمای یاد شده، به جلب حمایت آنان، موفق شده است، از دولت مرکزی می‌خواهد که با هشدار شدید للحن به آیت الله حاج میرزا ابراهیم شریف، او را از همکاری با صولت الدوله باز دارد.

در سند شماره ۲، کفیل حکومت فارس، صولت الدوله را متهم کرده است که مبلغ گزافی برای دوتن از علمای بزرگ یعنی شیخ زکریا و سید عبدالحسین لاری فرستاده تا آنان را در راه جهاد با نیروهای انگلیسی تقویت نماید. وی برای پیشگیری از اقدامات افراد یاد شده و ایجاد امنیت در ایالت فارس از دولت مرکزی تقاضای کمک مالی و نظامی کرده است.

در سند شماره ۳؛ قوام الملک در پاسخ به تلگراف ارسالی از سوی وزارت داخله، مبلغ مورد نیاز برای پیشگیری از اغتشاش طرفداران صولت الدوله را شصت هزار تومان ذکر کرده و متذکر شده است که «این مبلغ را که امروز دولت مصرف می‌کند، در عوض خیلی مالیات‌های سوخته را زنده خواهد کرد.» قوام الملک همچنین بر این موضوع تأکید دارد که بدین وسیله نظم و امنیت نیز در فارس پایدار خواهد ماند. علاوه بر موارد فوق وی با اشاره به تحریکات سردار ارفع (شیخ خزعل) و خوانین بوشهر و دشتستان برای گسترش اغتشاش در جنوب ایران، خواستار تعدادی اسلحه سنگین (توپ) شده است.

در سند شماره ۴؛ کفیل حکومت فارس با یادآوری این موضوع که جاسوسان او از اقدامات صولت الدوله و اتحاد او با علما برای مبارزه با نیروهای انگلیسی خیر داده‌اند، از عدم توجه دولت به‌ویژه در امر ارسال پول اظهار نارضایتی نموده و یادآور شده است که «بنده امروز را دخیل هیچ یک از امورات نشده و بدین منوال دخیل هم نخواهم شد. کار اسباب لازم دارد. با فقدان اسباب چه می‌توان کرد...»

در سند شماره ۵؛ حبیب‌الله خان قوام الملک با تأکید بر هواداری یکی از سران عشایر که به صولت السلطنه ملقب بوده (و خود داعیه ایلخانی گری داشته)، از صولت الدوله و از نامه‌ای که برای صولت السلطنه نوشته و او را از همکاری با صولت الدوله منع کرده، سخن گفته است.

در سند شماره ۶؛ قوام الملک برای پیشگیری از اغتشاش صولت الدوله در گرمسیر فارس، پیشنهاد کرده است که دولت مرکزی سردار احتشام (که از سوی دولت به‌عنوان ایلخان ایل قشقایی برگزیده شده بود) را به دستگیری صولت الدوله و اقامت اجباری او در شیراز یا تهران یا مکانی خارج از فارس وادار سازد.

در سند شماره ۷؛ کفیل حکومت فارس با بیان این موضوع که صولت الدوله با هدف ایجاد اغتشاش، درحالی که سایر افراد ایل قشقایی عازم بیلاق بودند، همچنان هزار و پانصد خانوار از طوایف قشقایی را در قیر و کارزین و دویست و هفتاد خانوار را در فیروزآباد باقی گذاشته است، از وزارت

داخله خواستار آن گردیده که ایلخانی و کلانتری‌های ایل را به کوچ اجباری خانوارهای یاد شده به نواحی بیلاقی وادار نموده، برای تعقیب و دستگیری صولت‌الدوله اقدام نمایند.

### نتیجه

به موازات رشد آگاهی ایرانیان که در نهضت مشروطیت به خوبی نمودار شد، اهداف و شگردهای امپریالیزم برای ملت ایران آشکارتر گردید. افزایش شناخت مردم از مطامع استعمارگران به مقاومت ملی در برابر آنان انجامید. استعمارگران نیز به‌طور متقابل اهداف خویش را از راه‌های گوناگون دنبال می‌کردند. در این میان، حکومت انگلیس برای حفظ منافع استعماری خود در جنوب ایران در تکاپو بود. اما مقاومت مردمی نیز در این قسمت از خاک ایران در برابر استعمارگران انگلیسی بسیار جدی بود.

بر این اساس ایجاد تفرقه در میان مردم با هدف پیشگیری از اتحاد آنان بر ضد استعمارگران در رأس برنامه کارگزاران انگلیس در ایران قرار گرفت. در اجرای این سیاست، دولت انگلیس به حمایت از حبیب‌الله خان قوام‌الملک که پیشینیان او نیز سابقه‌ی خدمت به انگلیسی‌ها داشتند،<sup>۱</sup> پرداخت. بدین ترتیب بر پایه‌ی مطالبی که در صفحات پیش بیان شد و با توجه به اسناد ضمیمه، باید گفت که حبیب‌الله خان قوام‌الملک با تقویت و تشویق سیاستمداران انگلیسی، برای سرکوب ایل قشقایی که مقتدرترین نیروی مقاومت در برابر استعمارگران انگلیس بود، اقدام کرد. وی با همین هدف از راه‌های گوناگون به دنبال ضربه بر اقتدار و حیثیت سیاسی و اجتماعی اسماعیل خان صولت‌الدوله به عنوان رهبر

۱. به‌عنوان نمونه به نقش علی‌اکبر خان قوام‌الملک اول در جریان تصرف بوشهر توسط انگلیسی‌ها توجه شود. ر.ک: محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۴۶. همچنین به عملکرد محمد رضا خان قوام‌الملک سوم در رویارویی با مخالفان انحصار دخیایات توسط کمپانی انگلیسی (رزوی) توجه گردد. ر.ک: اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، خلیفه (مشهور به خواننامه)، ص ۲۱۶.

ایل قشقایی بود. اما حبیب‌الله خان قوام الملک با وجود بعضی پیشرفت‌های موقت، سرانجام به سبب اعتلای فکری و رشد آگاهی سیاسی اهالی جنوب در اجرای برنامه‌های خویش ناکام ماند.<sup>۱</sup>

سند شماره ۱

مورخه ۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره مرموزات

نمره ۱۱۶۶

استخراج تلگراف رمز قوام الملک از شیراز

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته تلگراف مرموز مبارک نمره ۱۱۴۳ زیارت اگرچه این انتشارات از ده روز قبل به اینجا رسیده کشف تلگراف مبارک را هم به بعضی علماء ارانه کردم این مسائل به خرج جناب آقا میرزا ابراهیم<sup>۲</sup> ابدأ نمی رود حکایت پول صولت الدوله است که به آقازاده و همشیره زاده و آقا شیخ جعفر<sup>۳</sup> برادرزاده‌شان رسیده و سابقاً عرض کردم دیروز هم باز مجلس داشته‌اند ابلاغ کرده علماء را در تعقیب حرامی امته اتحاد داده در همان مجلس تلگراف به والا حضرت نایب السلطنه کرده‌اند فردا هم مجلس دیگر دارند لازم است به کشف تلگرافی خیلی خیلی سخت به توسط ریاست تلگرافخانه به آقا میرزا ابراهیم بفرمایید که چرا ترک این رفتارها را نمی‌کنید و می‌خواهید

۱. برای اطلاع از سرانجام حبیب‌الله خان قوام الملک، ر.ک: فروزاتی، سید ابوالقاسم، «حبیب‌الله خان قوام الملک شیرازی و نهضت جنوب»، ص ۱۷۷.

۲. آیت‌الله حاج میرزا ابراهیم شریف پیشوای روحانی نهضت «مردم فارس در عهد مشروطیت بود». ر.ک: قائم مقامی، جهانگیر، نهضت آزادیخواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران، ص ۸۷.

۳. آیت‌الله آقا شیخ جعفر محلاتی از روحانیون طراز اول، و روشنفکر فارس بود که بر ضد سلطه انگلیس در جنوب مبارزه می‌کرد. ر.ک: فراشندی، علیراد، تاریخچه حزب دموکرات فارس، ص ۱۱۶.

عاقبت مملکتی را به باد بدهید ابن تلگراف بدون هیچ ملاحظه با کمال سختی لازم است عصر (۲۱)  
محرم حبیب‌الله

سند شماره ۲

مورخه ۲۳ شهر محرم الحرام ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره مرموزات

نمره ۱۱۷۹

استخراج تلگراف رمز قوام الملک از شیراز

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکت سابقاً تلگرافی از دار خبر لندن در اتحاد پانزده هزار قشقای در اغتشاش فرموده بودند عرض کردم به اطراف برای تحقیق می‌فرستم به نصرالدوله<sup>۱</sup> نیز تحقیق این فقره را نوشته بودم او هم در مقام تحقیق برآمده پریروز خود نصرالدوله با رضا قلی خان حسام عشایر کلانتر بزرگ عرب از فسا به شیراز آمده اردو را در همان فسا گذاشته چیزی که محقق شده است صولت الدوله مبلغی گزاف برای شیخ زکریا و سید عبدالحسین لاری<sup>۲</sup> فرستاده که به‌عنوان جنگ جهاد با انگلیس درصدد اغتشاش برآیند. سید عبدالحسین که امروزه نفوذی ندارد ولی شیخ زکریا پولی که از غارت اموال مردم و محصول املاک داراب و مالیات پنج ساله سبعه و کوهستان به هم بسته جمعیتی دور و برش هست، اهالی آن سامان هم همین قدر کسی برای هرزگی پیش قدم شود

۱. منظور از نصرالدوله در اینجا، ابراهیم پسر حبیب‌الله خان قوام الملک می‌باشد. وی بعد از مرگ پدر خویش به عنوان پنجمین قوام الملک برای مدتی مقام بیگریگی فارس را برعهده داشت.

۲. حاج سید عبدالحسین لاری از علمای بزرگ بود که به قاضی نورالله شوشتری نسب می‌رسانده، وی به سبب مدتی اقامت در لار به‌عنوان لاری شناخته می‌شود. و.ک: سدید السلطنه مینابی، محمد علی، سفرنامه، ص ۳۲۸.

به طمع غارت و چپو<sup>۱</sup> تبعیت خواهند کرد. خود صولت الدوله هم خیالش این بوده اگر بتواند از این طرف در کار آقای سردار احتشام ایلخانی<sup>۲</sup> که بیرون می‌روند اخلاقی نماید و سارقین عمله خود را به راه‌ها برای دزدی بفرستد و همان است که عرض کردم صولت الدوله به پول و وسایل دیگر از عمله خودش و متفرقه هر اندازه سعی کند نمی‌تواند دو هزار الی سه هزار و پانصد با خیالات خود همراه کند که این‌ها را هم دسته به دسته برای دزدی به اطراف بفرستد. عجلتاً کار شیخ زکریا تا کسب اهمیتی نکرده و تولید فسادى نشده باید در مقام جلوگیری برآمد. نصرالدوله هم برای ترتیب همین فقره هست. اولاً لازم است وجهی به فوریت تدارک و هر کسی را امین بدانند ناظر خرج قرار دهند. ثانیاً یک مقدار فشنگ همان کسی را که ناظر است در اینجا خریداری نماید این تدارکات تمام دیده شود که سی روز دیگر که ایلات از گرمسیر حرکت می‌کنند استعداد کاملی از آن‌ها حاضر و به قلع و قمع شیخ زکریا اقدام شود و از این وجهی که به فوریت مرحمت شود اردوی آقای سردار احتشام روبه‌راه و هرچه زودتر حرکت کرده به ایل بروند و از آن طرف دفع مفاصد شود و فرضاً خود صولت الدوله هم خواست به خلاف نظم رفتار کند از دو طرف او را قلع و قمع نمایند و الا این تدارکات را نفرمایند و به زودی وجه مرحمت نشود. مسلماً مفسدین به مقاصد خود نایل و رشته نظم و امنیت بالمره گسیخته خواهد شد. جواب فوری بفرمایند که نصرالدوله هم تکلیف خود را بداند صبح (۲۲) حبیب‌الله.

[در حاشیه نوشته شده است:]

خیلی فوری

الآن این جواب را رمز کنید

تلگراف جنابعالی در باب راپرت نصرالدوله و اقدامات شیخ زکریا و تحریکاتی که از طرف صولت الدوله می‌شود، این که تقاضای سرعت اقدام در ایصال تنخواه نموده و خریداری فشنگ نموده بودید

۱. چپو: تلفظ عامیانه کلمه چپاول به لهجه شیرازی است.

۲. سردار احتشام از سوی دولت به‌عنوان ایلخان ایل قشقایی منصوب شده بود. هدف از این کار کاهش قدرت و نفوذ صولت الدوله، رهبر مورد تمایل ایل قشقایی بود.

واصل شد. قبل از وصول این تلگراف بیست هزار آن حواله شده است و روز سه‌شنبه ۲۵ این وجه به جنابعالی خواهد رسید. یکصد هزار فشنگ که خواسته بودید مدیر گمرک بوشهر به دستورالعمل جنابعالی خریداری نماید تصویب و حکم آنرا صادر کرده‌ایم. در این صورت تهیه جلوگیری از اقدامات صولت الدوله و شیخ زکریا به این ترتیب فراهم است. روز حرکت سردار احتشام و نصرالدوله را بدانید و آنچه را موجب حفظ نظم و جلوگیری اشرار بوده و مقتضی می‌دانید بدون تأمل اقدام نمایید. همه قسم تقویت و مساعدت با جنابعالی خواهد شد.

سند شماره ۳

مورخه ۲۶ شهر محرم الحرام ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره مرموزات

نمره ۱۲۰۳

استخراج تلگراف رمز قوام الملک از شیراز

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته تلگراف مبارک نمره ۱۱۷۰ زیارت فرموده بودند، برای جلوگیری از اغتشاش مبلغی را که دولت باید بدهد معین نمایند. دو اردو باید تشکیل و از دو سمت حرکت نماید. یکی به اتفاق نصرالدوله و از خط جمعی خود و دیگری به اتفاق سردار احتشام و از سمت کازرون با رعایت صرفه‌جویی و نظر به ضیق مالیه دولت مصارف دو ماه این دو اردو را تا شصت هزار تومان برآورد کرده به این معنی که سی هزار تومان از آن را دولت نقد بدهد و سی هزار تومان دیگر را هم حواله پیشکار ایاله فارس نمایند که هر محلی را ارائه بدهد برات صادر شود. این مبلغ را که امروز دولت مصرف می‌کند در عوض خیلی مالیات‌های سوخته را زنده خواهد کرد. به‌علاوه نظم و امنیتی که تدارک شده تذکاراً عرض می‌کنم این اردوی ساخلو شهر دخیلی به آن دو فقره اردو ندارد و مصارفش نیز علیحده این اقدامات هرچه زودتر بشود انفع است. به فوری آن مبلغ نقد و مبلغ حواله

پیشکار را برسانند که در تدارک کار برآید و الا به مساهله و مسامحه بگذرد با این تلگراف‌های مهیج آن‌ها و تحریکات سردار ارفع<sup>۱</sup> به مضاربه [یک کلمه ناخوانا] بوشهر و دشتستان و صولت الدوله به هر جا مسلماً اگر جلوگیری نشود تولید زحمت بزرگی برای دولت فراهم خواهد شد و نظم و امنیتی بر قرار نخواهد ماند اخیراً عرض می‌کنم این تدارکات هرچه زودتر بشود جواب فوری مرحمت فرماید که تکلیف حرکت آقای سردار احتشام و نصرالدوله معلوم شود. در باب مونسون<sup>۲</sup> هم پانصد تیر کرناد<sup>۳</sup> و شربنل<sup>۴</sup> توپ هفت سانتی‌متر عاجلاً امر به حمل فرماید اگر دو توپ شنیدر<sup>۵</sup> یا اقلای یکی بزودی برسانید بهتر از این نمی‌شود. در باب شنگک مجدد به گمرک بوشهر تأکید فرماید که در خریداری آن سریعاً اقدام شود. شب ۲۵ حیب الله

سند شماره ۴

مورخه دویم شهر صفرالمظفر ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره مرموزات

نمره ۱۲۶۷

استخراج تلگراف رمز قوام الملک از شیراز

۱. منظور شیخ خزعل خان پسر حاج جابر خان از طایفه اعراب بنی کعب عرب خوزستان (متولد ۱۲۸۰ ه.ق.) است که القاب دیگری چون سردار اقدس، مغز السلطنه، نصرت الملک و امیر تومان داشت. وی برای جدا کردن خوزستان از ایران با قوای دولتی به جنگ پرداخت، اما در سال ۱۳۰۴ شمسی شکست خورد. ر.ک: حکمت، رضا، خاطرات سردار فاخر حکمت، ص ۲۲۷.

2. Munition

۳. کرناد (گرناد) به معنی نارنجک جنگی می‌باشد.

۴. شربنل (شرینل) نوعی توپ جنگی می‌باشد.

5. Schneider

مقام منبع ریاست و وزارت الوزراء جلیله داخله دامت شوکتها دو نفر جاسوس که برای کسب اطلاع به طرف صولت‌الدوله فرستاده بودم مراجعت کردند. صولت‌الدوله در کار این بوده که جمعیتی به اسم جلوگیری از قشون انگلیس بر حسب حکم علماء جمع کند و به طرف جره و کازرون... که اگر بتواند کلاترهای قشقایی را با خود همراه و به مقاصدی که در نظر دارد شروع نماید. بنده هم که هر قدر لزوم سرعت حرکت آقای سردار احتشام اینخانی و اردوی ایشان و نصرالدوله و اردوی فوق‌العاده او را عرض می‌کنم توجهی نمی‌فرمایید و گویا عرایض بنده را قابل التفات نمی‌دانند. سربازها هم که برای حقوق‌شان به سر بنده ریخته‌اند. حالت چریک ساخلو شهر هم که نگفتنی است. بنده امروز را دخیل هیچ یک از امورات نشده و بدین منوال دخیل هم نخواهم شد. کار اسباب لازم دارد، با فقدان اسباب چه می‌توان کرد و تعجب از این که چرا ایالت فارس را رسمی نمی‌فرمایند. عصر ۲۹ حبیب‌الله

سند شماره ۵

مورخه ۲۴ شهر صفر المظفر ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره مرموزات

نمره ۱۳۲۶

استخراج تلگراف رمز آقای قوام الملک از شیراز

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکت تلگراف مبارک راجع به راپورتی که از حالات صولت‌السلطنه داده‌اند، زیارت خانه مشارالیه پهلوی خانه صولت‌الدوله است که به آنجا رفته، گویا سابقاً عرض کرده باشم او خودش داعیه ایلخانی‌گری را دارد و از این که باطن او این اوقات... با صولت‌الدوله تا اندازه همراه است حرفی نیست به توسط آدم خودش شرح مفصلی به او نوشته‌ام که از

این خیالات منصرف شود، اگرچه وجود او برای هیچ طرف محل ملاحظه و اهمیتی نیست. آقای سردار احتشام ایلخانی هم فردا حرکت می‌کند. نصرالدوله امروز حرکت کرد. صبح ۲۲ حبیب‌الله.

### سند شماره ۶

مورخه ۲۵ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره مرموزات

نمره ۷۰

استخراج تلگراف رمز قوام الملک از شیراز

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته حالا که سردار احتشام ایلخانی با ایل به طرف بیلاق حرکت می‌کند البته صولت الدوله که در گرمسیر است آرام نمی‌گیرد. کاری که از دستش بر می‌آید این است که عده به هم بسته کرده برای اغتشاش اطراف به دزدی بفرستد. تلگرافی به سردار احتشام بفرمایید که ایل را از نزدیک شهر که رد کردید باید به صولت الدوله بپردازند و او را به شیراز بیاورید که دست بیرون نداشته باشد یا روانه طهران یا خارج از فارس به نقاط دیگر. توقف او در بیرون خاصه قشلاق قشقایی صلاحیت ندارد و اجرای این حکم را دولت از شما وامیر عشایر ایل بیگی و کلانترهای قشقایی حتماً می‌خواهم و به هر وسیله است باید اقدام کنید. شب ۲۴ حبیب‌الله.

### سند شماره ۷

مورخه ۲۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره مرموزات

نمره ۲۳۴/۳۳۵۷

### استخراج تلگراف رمز قوام الملک از شیراز

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته صولت الدوله از اصل هزار و پانصد خانوار از طوایف قشقائی را در همان قیر و کارزی<sup>۱</sup> گذارده نیاورده بود دوست هفتاد خانوار هم در فیروز آباد مانده دور نیست فردا که ایلات تماماً به سر حد رفت موقعی به دست او آمده بنای اغتشاش را بگذارد، اگرچه بنده به آقای ایلخانی و کلانترها تعاقب او را سخت گرفته‌ام لیکن لازم است تلگرافی خیلی سخت و موکدآبه آقای ایلخانی و کلانترها در تعقیب و گرفتاری صولت الدوله و کوچاندن آن خورده طوایف که در قشلاق مانده است بفرمایید. ۲۳ حبیب‌الله

[در حاشیه نوشته شده است:]

جنوب

جواب بدهید تلگراف لازم به سردار احتشام مخابره شد.

### منابع

- اخگر، احمد، زندگی من در هفتاد سال تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۶.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن، خلسه (مشهور به خوابنامه)، به کوشش محمود کتیرایی. چاپ دوم، تهران. انتشارات توکا، ۱۳۵۷.
- بشیری، احمد، (گردآورنده)، کتاب آبی، چاپ اول، تهران، نشر نو، ج ۳-۸، ۱۳۶۳-۱۳۶۹.
- حسینی فسایی، میرزا حسن، تاریخ فارسنامه‌ی ناصری، چاپ اول، تهران، سنایی، بی‌تا.
- حقایق نگار، میرزا جعفر، حقایق الاخبار ناصری، چاپ اول، تهران، دارالطباعة آقا محمد تقی، ۱۳۸۴ هـ. ق.

حکمت، رضا، خاطرات سردار فاخر حکمت، به کوشش س. وحیدنیا، چاپ اول، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۹.

دانش، سیاوش، ابراهیم کلانتر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

سدید السلطنه مینابی بندر عباسی، محمد علی، سفرنامه، به تصحیح احمد اقتداری، چاپ اول، تهران، بهنشر، ۱۳۶۲.

سعیدی سیرجانی، (گردآورنده)، وقایع اتفاقیه، چاپ دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۲.

فراشندی، علیمراد، تاریخچه حزب دموکرات فارس، چاپ اول، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۹.

فرصت الدوله شیرازی، میرزا نصیر، آثار عجم، چاپ اول، تهران، بامداد، ۱۳۶۲.

فروزانی، سید ابوالقاسم، حبیب‌الله خان قوام الملک شیرازی و نهضت جنوب، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت شهید رئیسعلی دلواری، به کوشش سید محمد حسین نبوی، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.

قائم مقامی، جهانگیر، نهضت آزادی خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران، چاپ اول، تهران، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ۱۳۵۹.

کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ چهاردهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

کلانتر، میرزا محمد، روزنامه، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، چاپ اول، طهوری سنایی، ۱۳۶۲.  
محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، چاپ اول، تهران، اقبال، ۱۳۲۹.

Bonine, Michael, E and Keddie, Nikki, R., Continuity and change in modern Iran, State University of New York Press, Albany, 1981.